

چمن کبود

چه را زی در دل چمت نهان است ؟
در آن چمن که رنگ آسمان است
که ما نند عشق های بهاری
از چمن مرا آتش به جان است .

جهان را گفته ام آزاد و مغرور .
همیشه از اسارت بوده ام دور .
تو زخم سینه ام را تازه کردی
اسیرت گفته ام ای چمن نور .

طلسمی تو ندانم یا چراغی ؟
ز دوریت به دل دارم چه داغی !
همیشه آرزو مندم که روزی
بگیری از من عاشق سراغی .
خیال انگیز همچون آسمانی .
گاهی غمگین و گاهی شادمانی .
دو چمنانتستاره . چهره ات ماه
کتاب عشق را صد داستانی .

~~~~~

چو می خندد نگاه راز دارت  
چه افسونگر شود چشم خمارت .  
به یک لبخند تو صد جانم ار بود  
چه مشتاقانه می کردم فشارت .

x x x

ترجمه از آرزو یابی